

مریم؛ زنی در مقام ولایت یا نبوت؟

بازخوانی داستان مریم در قرآن و تقابل آن با تفسیر مردم‌محورانه از این داستان

ملیحه احسانی نیک*

فریا پات**

چکیده

داستان زندگی حضرت مریم از جمله داستانهای مشترک قرآن و اناجیل اربعه (عهد جدید) است. با وجود این مریم در این داستانها نقش و جایگاه یکسانی ندارد. با استناد بر اناجیل ویژگی‌های مهم مریم به اعتبار مادری عیسی و تولد معجزه‌آسای او است. اما این تصویر در فرهنگ و سنت مسیحی به تدریج تا آنجا تحول می‌یابد که مریم به شخصیتی مقدس بدل می‌شود و مقام الوهیت پیدا می‌کند. به این تصویر در قرآن اشاره می‌شود و در واقع حکایت قرآن از داستان مریم با نفی این دیدگاه همراه است. اما در مجموع آنچه در قرآن حکایت می‌شود بسیار فراتر از روایت اناجیل است. در آیات قرآن ویژگی‌هایی برای مریم نقل می‌شود که بی‌شبهت به ویژگی‌های انبیاء نیست. هرچند که مفسران به‌ویژه مفسرانی با گرایش‌های عرفانی تلاش کرده‌اند این ویژگی‌ها را به گونه‌ای دیگر تفسیر کنند و در نهایت مریم را واجد مقام ولایت بدانند. در این مقاله ضمن اینکه سیر تحول جایگاه مریم در مسیحیت و اسلام بازگو می‌شود به این موضوع مهم نیز پرداخته می‌شود که چرا

* استادیار گروه قرآن و حدیث، بنیاد دایره المعارف اسلامی (دانش‌نامه جهان اسلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ehsani29@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، F.pat@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

در سنت اسلامی مریم، و در واقع زن، از مقام نبوت باز می‌ماند و در تصوف و عرفان اسلامی مقام او تنها در حد یک ولی پذیرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مریم، زن در سنت اسلامی، کرامت، معجزه، طهارت، عصمت، نبی، ولی.

۱. مقدمه

در قرآن کریم داستان‌هایی از اقوام و آیین‌های گذشته و اشخاصی حکایت می‌شود که به‌طور مشترک -نه کاملاً مشابه- در کتب مقدس پیش از اسلام نیز بازگو شده‌اند. هرچند جزئیاتی که در این داستان‌ها بیان می‌شوند، آنقدر نیستند که به لحاظ تاریخی بتوان شخصیت‌های داستان و کیفیت زیست آنها را مشخص کرد، اما در بازخوانی آنها بستری فراهم می‌شود تا با سنجش عناصر داستان و شیوه بازگویی آن در هریک از منابع، بتوان ابهام‌های موجود پیرامون آن شخصیت‌ها، اقوام و آیین‌ها را تا حدودی روشن کرد. داستان حضرت مریم از جمله داستان‌های معروف مشترک میان آنهاست. مریم در هریک از این منابع با ویژگی‌های خاصی معرفی شده‌است. در این مقاله سعی بر آن است تا با توجه به گزارشهایی که در تاریخ و سنت و فرهنگ ادیان ابراهیمی (مسیحیت و اسلام) درباره حضرت مریم آمده است، جایگاه واقعی او در قرآن و متون تفسیری و عرفانی بررسی و بازنگری و از این رهگذر مردانه بودن ویژگی نبوت در سنت اسلامی واکاوی و نیز جایگاه زن در اسلام دوباره بررسی و ارزیابی شود.

۲. طرح مسئله

در بازخوانی داستان مریم در عهد جدید و قرآن به‌وضوح این نکته نمایان است که مقام مریم در منابع و سنت اسلامی والاتر از آن چیزی است که در عهد جدید تصویر می‌شود. در آیات قرآن مریم با ویژگی‌هایی مشابه انبیاء وصف می‌شود بی‌آنکه مفسری حاضر باشد او را واجد مقام نبوت بداند. بنابراین داستان مریم می‌تواند بستر مناسبی باشد برای تحقیق درباره نسبت نبوت و رجولیت: اینکه آیا جنسیت در رسیدن به مقام نبوت مدخلیتی دارد یا نه. به‌نظر می‌رسد پاسخ قاطبه مفسران اسلامی به این مسأله مثبت باشد و گویی آنها رجولیت را پیش شرط نبوت می‌دانند و آن را به عنوان فرضی مسلم می‌پذیرند. در این مقاله ضمن بررسی داستان مریم و ویژگی‌های او به این مسائل پرداخته‌ایم: ۱- ویژگی‌های او در

مریم؛ زنی در مقام ولایت یا نبوت؟ ... ۳

قرآن چه تفاوتی با تصویر او در سنت مسیحی دارد؟ ۲- آیا این ویژگی‌ها قابل قیاس با صفات انبیاء هست یا نه؛ اگر هست چرا از نبی خوانده شدن او ابا شده است؟ ۳- اگر نیست چگونه مفسران ویژگی‌های قرآنی او را تعبیر و تفسیر کرده‌اند که تعارضی پیش نیاید؟ ۴- و سرانجام، این تعبیر و تفسیرها چه آثاری در پی داشته است؟

۳. مریم در عهد جدید

خاستگاه بحث در مورد مریم و داستان زندگی او عهد جدید است و قاعدتاً اطلاعات چندانی از او در عهد عتیق نباید یافت شود. با وجود این می‌توان در عهد عتیق نشانه‌هایی از جستجو کرد مثلاً در برخی موارد همچون کتاب اشعیا (۲۰۲: ۷: ۱۴) در ضمن پیشگویی‌هایی درباره ظهور منجی، تلویحاً به مریم بدون ذکر نام او اشاره شده است. مریم در این کتاب همان باکره‌ای است که منجی قوم یهود را به دنیا می‌آورد: «بنابراین خرد خداوند به شما آیتی را خواهد داد اینک باکره حامله شده پسری را خواهد زائید و اسمش را عمانوئیل خواهد خواند».

اما در عهد جدید (اناجیل همگرا (متی، مرقس و لوقا)، انجیل یوحنا و رسائل پولس)، در مجموع نوزده بار نام مریم آمده است؛ پنج بار در انجیل متی، یک بار در انجیل مرقس، دوازده بار در انجیل لوقا و یک بار در اعمال رسولان. در انجیل یوحنا نیز اشاره‌هایی به وجود مریم شده است. در مجموع داستان زندگی مریم در اناجیل بیشتر دربردارنده ماجرای بارداری مریم و ولادت عیسی است. برای روشن شدن مطالب هر یک از اناجیل به هر یک از آنها جداگانه می‌پردازیم.

الف. روایت اناجیل همگرا

در ابتدای انجیل متی (۲۰۲: ۱: ۱-۱۶) نسب‌نامه عیسی را آورده‌اند. طبق آن، نسب عیسی از جانب یوسف، نامزد مریم، به داوود و از داوود به یهودا یکی از پسران یعقوب (اسرائیل) می‌رسد. بعد از آن داستان تولد عیسی حکایت می‌شود (۲۰۲: ۱: ۱۸-۲۵). طبق روایت انجیل متی مریم پیش از تولد عیسی نامزد مردی به نام یوسف بود و پیش از آنکه با او بیامیزد خود را از روح القدس آستن یافت. یوسف که مردی درستکار بود و نمی‌خواست مریم رسوا شود تصمیم گرفت او را پنهانی طلاق دهد. اما فرشته خداوند در خواب او را از بیم و نگرانی رهانید و به او بشارت داد که مریم پسری به دنیا خواهد آورد و او باید نام آن پسر را عیسی بگذارد و آن پسر قوم خود را از گناهانشان خواهد رهانید. در

ادامه به یوسف خطاب می‌شود «اینک باکره آبستن خواهد شد و پسری خواهد زاد و او را عمّانوئیل خواهند نامید، که معنی آن «خدا با ما» است». یوسف وقتی از خواب برخاست همان کار را انجام داد و مریم را به خانه خود برد، تا آن که مریم پسرش را به دنیا آورد و او را عیسی نام نهاد. در این عبارات انجیل متی مریم با دو ویژگی بکارت و پاکدامنی معرفی می‌شود اما این انجیل بکارت دائمی مریم را بیان نمی‌کند. زیرا در این کتاب (۲۰۲: ۱۲: ۴۶) گفتگویی میان عیسی و مادر و برادرانش نقل می‌شود که نشان می‌دهد مریم علاوه بر عیسی پسران دیگری نیز داشته و باکره نمانده است. اما بعدها در سنت کلیسا فرض بر بکارت دائمی مریم نهاده شد (نک. عهد جدید، ۱۳۷۸ش: ص ۱۲۱، پاورقی ۱). در بخش دوم انجیل متی نیز از مریم یاد می‌شود. آنجا که هیأتی از مشرق‌زمین به جست‌وجوی پیامبر تازه متولد شده به اورشلیم آمدند و از پادشاه وقت، هرودوس، سراغ عیسی را گرفتند. او نیز عده‌ای را مأمور یافتن کودک کرد. «آنگاه به خانه درآمدند و کودک را با مادرش مریم دیدند و سجده گزاردند و او را پرستش کردند (۲۰۲: ۲: ۱۱)». طبق این عبارت عیسی به نام مادرش مریم شناخته می‌شود و این انتساب از ویژگی‌های مهم مریم نیز است.

در انجیل مرقس تولد عیسی اصلاً شرح داده نشده است و تنها در دو بخش به مریم اشاره می‌شود؛ در باب ۳ آیات ۳۱-۳۵ بدون نام بردن از او، آنجا که به خانواده عیسی یعنی مادر، برادران و خواهران او اشاره می‌شود و عیسی در مقایسه با رابطه خویشاوندی و نسبی، رابطه ایمانی را اصیل می‌داند. در بیان او خواهر و مادر و برادر واقعی همان خواهر و مادر و برادران ایمانی او هستند. بار دیگر در باب ۶ آیه ۳ مریم به اسم یادآوری می‌شود: «آیا این همان نجار نیست که پسر مریم و برادر یعقوب، یوسی، یهودا و شمعون است؟ آیا خواهران او جملگی اینجا نزد ما نیستند؟». در این عبارت انجیل مرقس، عیسی «پسر مریم» خوانده شده و برخلاف بقیه برادرانش به مادرش نسبت داده شده است. این عبارت نیز مؤیدی بر باکره‌گی مریم است (نیز نک. عهد جدید، ۱۳۷۸ش: ص ۲۷۷، پاورقی ۳).

در انجیل لوقا همانند انجیل متی ماجرای تولد عیسی حکایت می‌شود با این تفاوت که در انجیل متی ماجرا از جانب یوسف همسر مریم روایت می‌شود و در انجیل لوقا از زبان مریم (۲۰۲: ۱: ۵-۴۵). داستان با بشارت تولد یحیی به زکریا و همسرش ایصابات آغاز می‌شود. بارداری ایصابات تا پنج ماه پنهانی بود. در ماه ششم خداوند جبرئیل را به شهر ناصره نزد مریم باکره، نامزد یوسف از تبار داوود می‌فرستد و او را بر تولد عیسی بشارت می‌دهد و می‌گوید «شادمان باش ای آکنده از فیض، خداوند با تو است». مریم از این کلام

سخت پریشان می‌شود. فرشته به او می‌گوید «بیمناک مباش ای مریم؛ چه نزد خدا فیض یافته‌ای. اینک در بطن خویش آبستن خواهی شد و پسری خواهی زاد و او را عیسی نام خواهی نهاد». مریم می‌پرسد «این چه سان خواهد شد چه با مردی نیامیخته‌ام». فرشته پاسخ داد «روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای تعالی ترا به زیر سایه خود خواهد گرفت؛ هم از این روی هستی مقدسی زاده خواهد گشت؛ پسر خدا خوانده خواهد شد». فرشته خداوند خبر بارداری ایصابات را نیز به مریم می‌دهد. مریم در پایان گفتگو به فرشته می‌گوید «من کنیز خداوندم؛ بادا که بر وفق کلام تو بر من رود». در ادامه، ماجرای دیدار مریم با ایصابات نقل می‌شود. مریم به شهری که زکریا و همسرش ساکن بودند می‌رود. مریم در بدو ورود به ایصابات سلام می‌دهد و کودک در بطن ایصابات به جنبش در می‌آید. آنگاه به آواز بلند بانگ برآورده و می‌گوید «مبارک باشی در میان زنان و مبارک باد ثمره بطن تو! چه سان مرا نصیب گشت که مادر خداوند من نزد آمدی؟ چه آن دم که سلام تو بر گوش من رسید کودک از سرور در بطن من لرزیدن گرفت. آری، نیکبخت آن زنی که ایمان آورد آنچه از سوی خداوند بدو گفته شده، انجام می‌پذیرد».

روایت انجیل لوقا از داستان مریم شبیه حکایت قرآنی آن است با تفاوت‌های بسیاری در جزئیات داستان. مثلاً بشارت تولد یحیی در قرآن پس از بشارت تولد عیسی است. به این ترتیب که زکریای نبی با دیدن کرامات مریم تحریض می‌شود که از خداوند فرزندی طلب کند (نک. سوره مریم، آیات ۱-۲۲). اما کلیات داستان همچون باکره‌گی و پاکدامنی مریم، گفتگوی طولانی او با فرشته وحی و تکیه بر ایمان و عبادت مریم مشترک است. در بخش دوم انجیل لوقا داستان تولد عیسی بیان می‌شود (۲۰۰۲: ۲-۱-۲۰). طبق این بخش از انجیل لوقا عیسی در روز سرشماری، در بیت لحم متولد شد. مریم او را در قنداقه پیچید و در آخور خواباند. در همان ناحیه شبانانی در دشتها زندگی می‌کردند. فرشته خداوند نزد آنها آمد و آنها را از تولد مسیح مطلع کرد و نشانی‌های نوزاد را به آنها داد. وقتی فرشتگان به آسمان پر کشیدند آنها عازم بیت لحم شدند و مریم و یوسف و نوزاد خفته در آخور را یافتند. سپس آنچه در مورد این نوزاد از فرشتگان شنیده بودند برای همگان بیان کردند. «اما مریم تمامی این امور را به دقت به خاطر می‌سپرد و در دل خویش در باب آنها تأمل می‌کرد». جزئیات داستان ولادت عیسی و دشواری‌هایی که بر مریم گذشت بسیار متفاوت با قرآن است. تنها نکته مشترک سکوت مریم در برابر مردم است.

ب. روایت انجیل یوحنا

در انجیل لوقا از مریم هرگز با ذکر نام یاد نشده است ولی در مقام مادر عیسی در دو صحنه حضور دارد؛ در عروسی قانای جلیل (۲۰۰۲: ۲: ۱-۵) و در پای صلیب عیسی (۲۰۰۲: ۱۹: ۲۵-۲۷). در عروسی قانای جلیل، عیسی مادر خود را با لفظ «ای زن» مورد خطاب قرار می‌دهد. این نحوه غیر عادی خطاب به مادر نشان دهنده آن است که مریم فقط مادر عیسی نیست بلکه زنی است که مادر تمام زندگان است (نک. عهد جدید، ۱۳۷۸ش: ص ۴۷۸، پاورقی ۲). در پای صلیب نیز عیسی مادر خود را ای زن خطاب می‌کند و به شاگرد خود اشاره می‌کند و می‌گوید ای پسر اینک مادرت! از نظر مفسران و در سنت کلیسایی این خطاب غیر معمول چنین تفسیر می‌شود که مریم مادر معنوی تمام مؤمنان است (نک. عهد جدید، ۱۳۷۸ش: ص ۵۸۵، پاورقی ۱).

پ. نامه رسولان

در نامه رسولان (۲۰۰۲: ۱: ۱۴) در عبارتی کوتاه به مریم اشاره می‌شود. حواریون عیسی وقتی از کوه زیتون به اورشلیم بازگشتند در خانه همیشگی دور هم جمع شدند. «جملگی یکدل با تنی چند از زنان از جمله مریم مادر عیسی و برادران او در دعا کوشا بودند». در اینجا مریم در حال دعا و عبادت تصویر می‌شود.

همانطور که از متن کتاب مقدس برمی‌آید در این منبع در مورد مقامات معنوی مریم، اینکه ولی خدا هست و یا صاحب معجزه‌ای است یا نه مطلبی نقل نشده است. در همان معهود آیتی که به مریم پرداخته شد تنها تجلیلی که از او شده، آستن شدن او به مسیح موعود است. ولی بعدها موقعیت مریم از مادر باکره‌ای که به گونه‌ای معجزه آسا آستن مسیح موعود و یا موجودی الهی شده، تغییر یافت. چنان که در اعتقاد مسیحیان بعدی، پس از عیسی هیچ شخصی واجد موقعیت و جایگاه مریم نیست. اینکه چرا و چگونه مریم بعدها به طور مستقل در برخی از فرق مسیحی به نوعی پرستیده شده و می‌شود و قداست او در نمادها و تصاویر دینی مورد توجه قرار گرفته است، بحثی مستقل می‌طلبد. به هر حال در برخی فرق مسیحیت کنونی مریم مادر خدای متجسد است و شاید به همین سبب می‌تواند در کنار پدر (خدا) و پسر (عیسی) و روح القدس، موجودی مقدس و الهی دانسته شود و مرجع آرزوها و نیایش‌های مؤمنان باشد. این چنین تغییری با توجه به اشاره‌های قرآن بر پرستش مسیح و مریم در سنت مسیحی گواه این است که این جایگاه پیش از اسلام در سنت مسیحی پذیرفته شده و شایع بوده است.

۴. ویژگی‌های مریم در قرآن و متون عرفانی

در قرآن کریم علاوه بر اینکه در چندین سوره همچون آل عمران، نساء و مائده داستان مریم نقل شده، یک سوره نیز به نام مریم اختصاص یافته است. نام مریم ۳۴ بار در قرآن آمده که از این تعداد ۲۱ مورد در ترکیب عیسی بن مریم، به حضرت عیسی دلالت می‌کند (نک. فؤاد عبدالباقی، ۱۳۶۴: ذیل مریم). این تعداد قابل توجه از ارجاع نام عیسی به مادرش به داستان معجزه تولد عیسی از مریم اشاره دارد و نشان می‌دهد که در کلام قرآن عیسی، چهارمین نبی اولوالعزم، با مادرش مریم شناخته می‌شود. همچنین در قصص قرآنی مریم به گونه‌ای خاص مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن داستان زنان نکوکار و باایمانی همچون آسیه، همسر فرعون، ساره و هاجر، همسران ابراهیم، همسر زکریا، همسر ایوب بدون اشاره به نامشان نقل شده، اما مریم تنها زنی است که نام او در قرآن به کرات ذکر شده است.

ویژگی‌های مریم در متون عرفانی نیز کم و بیش شبیه ویژگی‌هایی است که در قرآن ذکر می‌شود. به آن دلیل که قرآن مهم‌ترین منبع الهام‌بخش عرفاست. از این رو در این بخش برای رعایت اختصار کلام و پرهیز از تکرار به هر دو اشاره می‌شود.

پیش از پرداختن به ویژگی‌های مریم در قرآن ذکر نکته‌ای در مورد دیدگاه قرآن نسبت به سنت رایج مسیحی پیش از اسلام ضروری است. در واقع نقل قرآنی داستان مریم و فرزندش با نفی دیدگاه رایج در سنت مسیحی همراه است. سنتی که در آن مریم و عیسی هر دو در جایگاه الوهیت می‌ایستند و پرستش می‌شوند. قرآن (سوره نساء: ۱۷۱) اهل کتاب را از غلو در دین و اعتقاد به تثلیث بر حذر می‌دارد. در آیات ۱۷ و ۷۲-۷۳ سوره مائده نیز معتقدان به این باور کافر خوانده می‌شوند و در آیات پایانی این سوره (۱۱۶-۱۱۸) گفتگویی میان خداوند و عیسی نقل می‌شود که این باور را از اساس سست و بی‌بنیان می‌داند. طبق این آیات خداوند از عیسی پسر مریم می‌پرسد که آیا تو به آنها گفته‌ای تو و مادرت را در مقام الوهیت پرستش کنند و عیسی در پاسخ صحت این باور را تکذیب می‌کند.

داستان مریم در قرآن، همانند بیشتر قصص قرآنی، به صورت خطی و به ترتیب زمانی از ابتدا تا انتها نقل نشده است. وقایعی از زندگی مریم نیز به طور پراکنده در سوره‌های مختلف آمده و گاهی یک واقعه چند بار و با بیانهای مختلف حکایت شده است. حتی در سوره مریم زندگی مریم به طور کامل حکایت نمی‌شود بلکه داستان او از بارداری آغاز و تا تولد فرزندش عیسی ادامه می‌یابد.

با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌هایی که برای مریم در آیات قرآن آمده و مفسران و عارفان به آنها اشاره کرده‌اند روشن می‌گردد که مقام مریم فقط الگوی مؤمنان و برگزیده بودن برای همه زنان عالم به سبب عبادت بسیار (آل عمران: ۴۲) و یا پاکدامنی در تولد عیسی (تحریم: ۱۲) و امّ عیسی بودن نیست. ما در ادامه برای توضیح این مطلب، مقامات مریم و ویژگی‌هایش را با توجه به صفاتی که در آیات قرآن برای او آمده بررسی می‌کنیم:

الف. ویژگی‌های ذاتی مریم

برخی از ویژگی‌هایی که در قرآن برای مریم ذکر شده - و در ادامه می‌آید - خاص اوست و از پاکی و شرافت اصل و نسب او حکایت می‌کند که البته این ویژگی‌ها غیر اکتسابی است.

اصالت و شرافت خانوادگی: منظور از اصالت و شرافت خانوادگی، اتصال به دودمان انبیاء و پاکان و معصومان عالم است. پیش از ورود به داستان مریم در آیه ۳۳ سوره آل عمران چنین آمده؛ *إن الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر تمام عالمیان برگزید.* کلمه آل به صورت ترکیب اضافی به کار می‌رود و به معنای خاص هر چیز است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۲ش: ذیل آل). از این رو معنای آل ابراهیم و آل عمران نزدیکان خاص و پاکان ذریه ابراهیم و عمران است. ظاهراً مراد از عمران، پدر مریم است. زیرا که اسم عمران در دو آیه دیگر از قرآن هم به کار رفته و در آن دو مورد نیز مراد از آن پدر مریم است: در آیه ۳۵ همین سوره از مادر مریم به صورت «إمرأة عمران» و در آیه ۱۲ سوره تحریم از مریم به صورت «ابنة عمران» یاد شده است.

ظاهراً در کتاب مقدس نام پدر مریم چیز دیگری ذکر شده است. اما در قرآن سه بار اسم عمران به کار رفته و هر سه بار از ظاهر یا سیاق آیه مشخص است که منظور از آن پدر مریم است. علامه طباطبایی (۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۶۲) در تفسیر آیه ۳۳ آل عمران به این نکته اشاره کرده است: «و اما آل عمران ظاهراً مراد از آن دودمان عمران پدر مریم باشد، و کلمه «مریم ابنة عمران» در قرآن کریم مکرر آمده [سه بار در آیات ۳۳ و ۳۵ سوره آل عمران، ۱۲ سوره تحریم]، و اما عمران پدر موسی حتی در یک مورد هم ذکر نشده و اگر شده به طوری ذکر نشده که متعین در پدر موسی باشد، و این خود مؤید همین احتمال است که مراد از وی عمران پدر مریم (ع) باشد، و بنابراین مراد از آل عمران عبارت می‌شود از مریم و عیسی (ع) یا آن دو با همسر عمران. و اما اینکه نصراً قبول ندارند که پدر مریم نامش

عمران بوده، قبول نداشته باشند، چون قرآن تابع هواهای ایشان نیست.»، اما طبری (۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۵۷) سلسله دودمان عمران بن یاشهم (یوشیا) را تا داوود نقل می‌کند که همین سلسله در کتاب اول تواریخ عهد عتیق (۲۰۰۲: ۳: ۱۰-۱۶) نیز نقل شده و نسب یوشیا به سلیمان بن داوود بن یهودا یکی از پسران اسرائیل ختم می‌شود با این تفاوت که در میان فرزندان یوشیا فردی به اسم عمران وجود ندارد. اما در عهد عتیق آن عمرانی که در سنت اسلامی پدر موسی و هارون و خواهرشان (مریم نبیه) بوده، ظاهراً تلفظ عبری اش عمرام است و از نسل لاوی، برادر یهودا، یکی دیگر از پسران اسرائیل است (۲۰۰۲: کتاب اول تواریخ: ۶: ۲۹). همچنین مریم در آیه ۲۸ سوره مریم به صورت «یا اخت هارون» خطاب شده و بالتبع این شبهه ایجاد می‌شود که منظور از او خواهر هارون و موسی و نه مادر عیسی باشد، در حالی که سیاق آیه در مورد مادر عیسی است. تمام مفسران با لحاظ نکته اخیر این فرض را باطل می‌دانند که مراد از این هارون، همان هارون باشد که برادر موسی است. اما در مورد تعیین هویت هارونی که مریم خواهر او دانسته شده، فرضهای متعددی نقل کرده‌اند از جمله اینکه اسم هارون کنایه از انسان صالح است و انتساب مریم به او جهت طعن به مریم است. طبری (۱۴۱۲: ج ۱۶، ص ۵۸-۵۹) ذیل این آیه تمام اقوال موجود تا زمان خود را آورده است.

به‌هر حال این آیه علاوه بر اینکه بر پاکی ذریه عمران دلالت می‌کند، این خاندان را خاندان برگزیده نیز می‌داند. واژه اصطافی در این آیه به معنای اختیار و برگزیدن کسی در امری خاص است. مثلاً اصطفای آدم به آن معناست که به‌عنوان اولین مخلوق از جنس بشر برگزیده شد، در زمین جای گرفت و دین برایش تشریح شد. اصطفای آل‌ابراهیم به معنای برگزیدن پاکان و طاهرین ذریه ابراهیم به مقام نبوت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۲۵۷-۲۶۲). البته انتساب به انبیاء به‌خودی خود فضیلت و شرف به‌حساب نمی‌آید آنچنانکه برای پسر نوح و همسر لوط به‌حساب نیامد. اما با توجه به مضمون این آیه و نیز ارتباط این آیه با آیات بعدی به‌نظر می‌رسد که در مورد مریم چنین نباشد. طبق این آیه خداوند از میان پاکان و خاصان ذریه عمران افرادی را برای اموری خاص برگزیده است و در ادامه همین آیه است که داستان مریم بیان می‌شود.

محرر یا آزاد ازلی و ابدی: داستان زندگی مریم در قرآن با بیان نذر مادر مریم در سوره آل‌عمران آغاز می‌شود. همسر عمران و مادر مریم فرزند درون بطن خود را بی‌آنکه از جنسیت او با خبر باشد، نذر خدمت در معبد می‌کند؛ «ربّ اِنّی نذرت لک ما فی بطنی محرراً

فَتَقَبَّلَ مِنِّي (آل عمران: ۳۵)». محرّر در لغت به معنای آزاد شدن از قید و بند است. مراد از تحریر در اینجا آزاد کردن فرزند از قیود و تسلط و ولایتی است که والدین بر او دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۶۷). به دیگر سخن والدین در تربیت فرزند ولایت دارند و بر فرزند واجب است از آنها اطاعت کند. عبارتی که مادر مریم در بیان نذر خود به کار برده، نشان می‌دهد که او فرزند خود را پیش از تولد از ولایت خود خارج کرد تا در معبد و تحت ولایت الهی تربیت شود و عمر خود را صرف خدمت خداوند کند. به این معنا که صرفاً به عبادت پردازد و به امور دنیوی مشغول نشود (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ طوسی، [بی تا]: ج ۲، ص ۴۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۶۷).

در برخی تفاسیر عرفانی به لطایفی در این باره اشاره شده است. قشیری (۲۰۰۰: ج ۱، ص ۲۳۷، ذیل آیه ۳۷) محرّر را کسی دانسته که تحت رِقّ و بندگی هیچ مخلوقی نباشد. از این رو وقتی نذر مادر مریم از جانب خداوند پذیرفته شد، در واقع خداوند مریم را از اشتغال به هر چیز غیر خدا آزاد کرد. به تعبیر میسدی (۱۳۷۱ش: ج ۲، ص ۹۸، ذیل آیه ۳۷) محرّر به معنای خالص است به گونه‌ای که به هیچ چیز تعلق نداشته باشد و هیچ چیز هم در او نیامیزد. با توجه به این معنا تنها کسی می‌تواند حقیقتاً عبادت خداوند را به جا بیاورد که به مقام حرّ بودن رسیده باشد.

بنابراین در مجموع طبق این تفاسیر مریم از وقتی زاده شد تحت رِقّ و بندگی احدی غیر از خدا نبود و حتّی از ولایت مادرش نیز آزاد بود و این شرافت و موقعیت خاصی به مریم می‌دهد که بی نظیر است.

قبول و پذیرش مریم از جانب خداوند و پرورش او: طبق رسم رایج آن زمان تنها اولاد پسر می‌توانستند به خدمت معبد در بیایند، به همین جهت مادر مریم پس از تولد او بابت پذیرفته شدن نذر خود نگران می‌شود. در آیه ۳۷ سوره آل عمران در پاسخ به نگرانی‌های همسر عمران چنین آمده است «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتاً حَسَناً». در شیوه بیان آیه و مرجع ضمائر نکاتی نهفته است. مرجع ضمیر «ها» مریم است و معنای آیه چنین است که پروردگار مریم، مریم را به بهترین وجه پذیرفت و او را به بهترین وجه پرورش داد و این یکی دیگر از ویژگی‌های خاص و ممتاز مریم است؛ پذیرفته شدن و پرورش یافتن از جانب خداوند. ویژگی پذیرفته شدن تنها یک بار در قرآن و آن هم در مورد مریم به کار رفته است. سایر کاربردهای این واژه به طور عام در مورد پذیرش اعمال بندگان از جانب خداوند است (نک. عبدالباقی، ۱۳۶۴: ذیل قبل). مفسران ذیل این آیه به این نکته

پرداخته‌اند که خداوند مریم را پذیرفت و تربیت او را به‌عهده گرفت (طبری، ۱۴۱۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ذیل آل‌عمران: ۳۷). به‌گفته‌ی قشیری (۲۰۰۰: ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ ذیل آل‌عمران: ۳۷) قبول حسن در مورد مریم کیفیت خاصی داشت که در خود آیه به آن اشاره‌هایی شده است. خداوند مریم را نیکو پذیرفت یعنی او را برای طاعت خود بی‌همتا کرد و همانطور که سرپرستی اولیاء خود را برعهده می‌گرفت، سرپرستی مریم را به‌عهده گرفت تا جایی که مریم در این امر، هر چند دختر بود، از تمام معاصرین خود پیشی گرفت. قشیری اقوال دیگری را نیز نقل می‌کند همچون حسن قبول به معنای حسن تربیت مریم، و یا پرورش دادن او بر وصف عصمت.

نظیر این مطلب در سوره طه در مورد موسی علیه‌السلام نیز به‌کار رفته است. در آیه ۳۷ به بعد این سوره خداوند برخی از الطاف و منتهای خود بر موسی را برمی‌شمرد. از جمله وقتی مادر موسی برای حفظ جان فرزندش او را در صندوقی گذاشت و در آب رها کرد، خداوند بر او لطف کرد و صندوق را به سمت دربار فرعون روانه کرد. در انتهای آیه ۳۹ خداوند می‌فرماید «والقیبت علیک محبّة منی ولتصنع علی عینی». یعنی از جانب خود محبتی بر تو افکندیم که هر تو را ببیند به سوی تو جذب شود، برای اینکه تحت نظر و مراقبت من بر تو احسان شود و تربیت شوی (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۴، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ ذیل طه: ۳۹). در دو آیه جلوتر اوج محبت و لطف خداوند بر موسی با عبارت «واصطنعتک لنفسی؛ تو را برای خود ساخته‌ام، طه: ۴۱» ابراز می‌شود. با اینکه موسی از انبیای الوالعزم بود و بسیار نزد خداوند محبوب بود در مورد تربیت او عبارتی که در مورد مریم به‌کار رفته، گفته نشد. در مورد پرورش مریم واژه انبتها به‌کار رفته که حامل معنای بیشتری است. فعل انبت به معنی رشد دادن است و غالباً در مورد تربیت کودک به‌کار می‌رود. در اینجا فاعل آن خداوند است و مفعول بی‌واسطه آن مریم. به این معنا که خداوند از هر جهت او را نیکو تربیت کرد چه در امور مادی که رزق و روزی از غیب برای او می‌رساند و چه در امور معنوی که او را بر صفت صلاح و عفت و طاعت پرورش داد (نک. طوسی، [بی‌تا.]: ج ۲، ص ۴۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۰۶، ذیل آل‌عمران: ۳۷). این ویژگی نیز در آیات قرآنی تنها به مریم اختصاص دارد.

زندگی با زکریای نبی در معبد: از دیگر ویژگی‌های مریم که در همین آیه به آن اشاره شده آن است که کفالت او به یکی از انبیاء الهی سپرده شد. در قرآن داستان انبثاتی همچون فرزندان ابراهیم نیز نقل شده که به‌جهت آنکه پدرشان نبی بوده مصاحب انبیا شده و یک

نبی کفالت آنها را بر عهده گرفته است. اما اینکه به‌طور خاص یک نبی خدا کفالت بچه‌ای را بر عهده بگیرد، از ویژگی‌های مریم است. به‌ویژه آنکه در آیه ۴۴ همین سوره اصل ماجرا چنین حکایت می‌شود که بر سر کفالت مریم نزاع در گرفت و سرانجام قرعه انداختند و کفالت مریم به نام زکریا رقم خورد.

بنا به تفسیر قشیری (۲۰۰۰: ج ۱، ص ۲۳۸، ذیل آل عمران: ۳۷) اینکه کفالت، قیومیت و محافظت از مریم به عهده یک نبی همچون زکریا گذاشته شد از نشانه‌های «قبول حسن» و «نبات حسن» ذکر شده در آیه است. علاوه بر این خداوند به داوود علیه‌السلام چنین وحی کرد که اگر کسی را دیدی که در طلب من باشد، خادم او باش، و زکریا نیز چون مریم را وقف عبادت یافت خود را خادم او قرار داد.

در آیات بعدی اوصافی از مریم ذکر می‌شود که دلیل سپرده شدن سرپرستی او به زکریا بیشتر روشن می‌شود. به اجمال می‌توان گفت زندگی با مریم در معبد برای نبی کهنسالی همچون زکریا که سالها به ترویج و تبلیغ آیین موسی پرداخته بود، حیرت‌انگیز بود. دلیل آن ویژگی‌های منحصر به‌فرد مریم و مقامی بود که او در عبادت خدا به‌دست آورده بود. زکریا کراماتی از این دختر بچه می‌دید که برایش تازگی داشت.

ب. ویژگی‌های ناظر به برگزیده بودن مریم

در قرآن ویژگی‌های دیگری نیز برای مریم برشمرده شده که نشان می‌دهد او مشمول عنایات خداوند بوده و خداوند او را به گونه‌ای بر سایر بندگان خود برتری داده است. ویژگی‌هایی همچون داشتن کرامات، برگزیدگی از جانب خداوند، طهارت از ناپاکی‌ها و گفتگو با ملک وحی. این ویژگی‌ها برآمده از مقام عبودیت مریم و مداومت او در عبادت است. مریم از همان زمانی که به معبد سپرده شده، دائم به عبادت مشغول بود. حتی مادر مریم به شکرانه پذیرفته شدن نذرش فرزندش را عابده نامید. مریم در اصل به معنای زن عابد و خادم خداوند است و مادر مریم با این نام‌گذاری می‌خواست ظاهر و باطن نذر خود و اسم و مسمای فرزند خود را موافق کند (نک. زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۳۵۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۰۴، ذیل آل عمران: ۳۶).

البته در تفاسیر اشاره نشده که اصل لغت به چه زبانی است. مفسران این معنا را به زبان خود قوم و خاندان مریم نسبت داده و گفته‌اند مریم در زبان خودشان چنین معنایی دارد. آرتور جفری (۲۰۰۷: ص ۲۶۲) می‌گوید برخی مفسران در تفسیر این آیه به این نکته توجه کرده‌اند که این واژه عربی نیست. بنا به تحقیق او این واژه عبری است اما تلفظ عربی آن

به صورت مَریم موهم آن است که این واژه بیشتر برگرفته از منابع مسیحی باشد تا زبان عبری.

در آیه ۳۷ آل عمران به این نکته تلویحاً اشاره می‌شود که مریم دائم در محراب عبادت بود «کَلِمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ». منظور از محراب، اتاقی است در شریف‌ترین و مرتفع‌ترین جای معبد و چون مریم تنها زنی بوده که نذر معبد شده بود، گویا مکان خاصی برای عبادت داشته است. فخررازی ذیل آیه ۳۷ آل عمران (۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۰۶-۲۰۷) نقل می‌کند که مکان عبادت مریم در بالاترین و شریف‌ترین جای معبد بود و درب آن در وسط مسجد باز می‌شد به گونه‌ای که برای داخل شدن در محراب می‌بایست از نردبان بالا رفت و هرگاه زکریا از آنجا خارج می‌شد هفت در را به روی او می‌بست.

عبادت و بندگی خالصانه مریم او را به مقاماتی رساند و سبب شد کراماتی از او ظاهر شود. اما این نقطه آغاز ورود مریم به مراتب والاتری از عبودیت و بندگی بود. در آیه ۴۳ آل عمران پس از ذکر کرامات مریم به او امر می‌شود حال که چنین است به شکرانه آن کرامات و مقامات قنوت و رکوع و سجده بگزار. یعنی عبودیت ابتدایی مریم او را به مقام بالاتری در عبودیت رساند (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۹۶، ذیل آل عمران: ۴۳). مریم در عبادت خداوند مداومت می‌کرد و مراقب بود که هیچگاه از طاعت او خارج نشود، تا آنجا که وقتی فرشته وحی به هیأت مردی بر او ظاهر شد، مریم از خوف معصیت به خدا پناه برد (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۶، ص ۴۶-۴۷، ذیل مریم: ۱۸).

عرفا در توصیف عبادت مریم به نکات دیگری نیز توجه کرده‌اند. قشیری (۲۰۰۰: ج ۱، ص ۲۳۸، ذیل آل عمران: ۳۷) حضور دائمی مریم در محراب عبادت را اماره و نشانه حُسن قبول نذر مادر مریم می‌داند. به تعبیر او هر کس مسکن و جایگاه عبادتش، محراب باشد، بنده عزیز خداست. مریم آنچنان در عبادت ایستادگی کرد و همواره به دنبال جلب رضایت خداوند بود که در نتیجه این اعمال از او فرزندی همچون عیسی مسیح متولد شد. به تعبیر میبیدی (۱۳۷۱ش: ج ۲، ص ۱۰۱) محراب را از آن جهت محراب نامیده‌اند که محل محاربه نفس و شیطان است. در نگاه عرفا بالاترین مرتبه‌ای که طالب معرفت خداوند به آن می‌رسد همین عبدالله است (بهاءالدین ولد، ۱۳۵۲ش: ج ۱، ص ۳۴۰) و مریم به سبب مداومت و خلوص در عبادت در زمره عبادله بود. عبادت مریم از سر عشق و محبت بود. حین عبادت از خود و بیگانه می‌برید و تماماً به معبود توجه می‌کرد. چنانکه وقتی جبرئیل را به صورت دلپذیر مشاهده کرد، دیدن آن شمایل نیکو او را نفریفت و از عبادت باز نداشت. او از لذت

ناپایدار دیدن صورت زیبا به خداوند پناه برد (نک. خوارزمی، ۱۳۸۴ش: ج ۴، ص ۱۶۸۵-۱۶۸۶).

در پی عبادات خالصانهٔ مریم کراماتی بر او ظاهر شد، خداوند او را جهت انجام اموری برگزید، از بدیها پاک کرد و ملک وحی بر او نازل شد.

کرامات: در قرآن موارد متعددی از انجام امور غیر طبیعی و خارق عادت در مورد مریم نقل شده است. مهم‌ترین نکته در این زمینه این است که مریم به‌یمن بندگی و مداومت در عبادت به انجام این امور نایل شد. اولین کرامتی که از مریم در قرآن نقل شده، بهره‌مندی از رزق غیرمعمول در محراب عبادت است. زکریا کفیل مریم بود و طبق وظیفه در موعد مقرر برای مریم غذا می‌برد. اما هرگاه برای او طعام می‌برد، می‌دید که طعامی نزد مریم حاضر است و وقتی می‌پرسید این طعام از کجا آمده، مریم می‌گفت از جانب خداوند. تعبیر قرآن از این کرامت مریم در بردارندهٔ چند نکته است؛ الف- واژهٔ کَلِمًا در عبارت «كَلِمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (آل عمران: ۳۷) نشان می‌دهد که این کرامت همچون کرامت اولیاء الهی گاه و بی‌گاه نبوده و زکریا دست‌کم به کرات این کرامت را مشاهده کرده است، اگر واژهٔ کَلِمًا را دال بر دوام این واقعه ندانیم. ب- زکریا با اینکه هر بار این حالت را مشاهده می‌کرده، ولی همچنان به انجام وظایف و تعهدات خود ادامه می‌داد و برای مریم طعام می‌برد. ج- عبارت «أَنِّي لَك هَذَا» نشان‌دهندهٔ حیرت زکریا است. زکریا با اینکه نبی بوده و در آن زمان سن زیادی داشته و طبعاً باید خوارق عادات زیادی دیده باشد، از این کرامت دائمی مریم تعجب می‌کند. این نشان می‌دهد که روزی مریم رزق معمولی نبوده است و زکریا هم با دیدن آن به فکر می‌افتد از خداوند فرزندی طلب کند. در تفاسیر گفته شده مثلاً میوه‌هایی در غیر فصل خودشان برای او حاضر بود؛ میوهٔ تابستانی در زمستان و برعکس. د- از پاسخ مریم به پرسش زکریا «قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب» برمی‌آید که مریم هم از کرامت خود آگاه بوده، هم با اینکه سن زیادی نداشته از اعطای آن از جانب خدا آگاه بوده است (نک. فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۷۳-۲۷۴؛ ذیل آل عمران: ۳۷).

علاوه بر این کرامت دیگری هم از مریم در قرآن نقل شده که دال بر روزی غیرمعمول اوست. هنگامی که مریم برای وضع حمل از معبد فاصله گرفت و از شدت درد بر خود می‌پیچید دو امر خارق عادت برایش اتفاق افتاد. جوی آبی از زیر پای او روان شد (مریم: ۲۴) و از درخت خشکیدهٔ خرما برای او رطب تازه فروریخت (مریم: ۲۵). برخی عرفا

با توجه به این کرامات، مریم را مظهر صفت رازقیّت خداوند دانسته‌اند (نجم رازی، ۱۳۵۲ش: ص ۳۲۲؛ ابن عربی، ۱۳۷۶ش: ص ۳۱). برخی دیگر نیز این را نشانهٔ مقام موت اختیاری مریم دانسته‌اند که بدون سعی و تلاش روزی برای او مهیا بود. از نظر عرفا موت اختیاری حالتی است که سالک پیش از موت طبیعی و پیش از آنکه مجبور شود، امانت الهی را به او واگذار کند و به اختیار خود بمیرد و از لذات و راحتی‌های دنیا که در معرض زوال و فنا و تغییر و انتقال است، درگذرد. این افراد چون علم و قدرت و همت را به کمال دارند، هر چه طلب کنند حاصل می‌شود. اگر بخواهند روی آب راه می‌روند و یا در آتش می‌روند. اگر بخواهند مردم ایشان را می‌بینند و اگر بخواهند نمی‌بینند و همچون مریم هر روز رزق آنها بی‌سعی و کوشش، آماده و پرداخته به آنها می‌رسد (نک. نسفی، ۱۳۹۴ش: ص ۳۰۹؛ خوارزمی، ۱۳۸۴ش: ج ۴، ص ۱۶۸۹-۱۶۹۰). مریم نیز چون به آن مقام رسیده بود، روزی بی‌تلاش دریافت می‌کرد.

برآمدن خرما از درخت خشکیده را نیز امارتی بر مقام خلافت کبرای او دانسته‌اند. چه سالک در این مقام است که به واسطهٔ غذای معنوی از غذای صوری بی‌نیاز می‌شود و تأثیر او در عالم به جایی می‌رسد که می‌تواند جماد و نبات را غذای روحانی ببخشد (خوارزمی، ۱۳۸۴ش: ج ۴، ص ۱۳۱۲).

اصطفاء (برگزیدن): در آیهٔ ۴۲ سورهٔ آل عمران ملائکه به مریم خبر می‌دهند که خداوند او را برگزیده است «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ». این مژده دو بار در این آیه تکرار شده است. در ابتدای این مبحث اشاره شد که در قرآن پیش از ورود به داستان مریم از برگزیده شدن آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران سخن به میان می‌آید (آل عمران: ۳۲). آیهٔ ۴۲ نیز با این آیه مرتبط است. اصطفی همانطور که گفته شد به معنای اختیار و برگزیدن کسی برای امر خاصی است. مفسران این امر خاص را در مورد آدم و نوح و ابراهیم بی‌هیچ تردید مقام نبوت و رسالت دانسته‌اند. در آیهٔ مورد بحث اصطفی یک بار به صورت مطلق و یک بار مقید (برتری بر زنان عالم) در مورد مریم به کار رفته با این حال مفسران از ارائهٔ چنین تفسیری در مورد مریم پرهیز کرده‌اند. به نظر آنها منظور از برگزیدن مریم، برگزیدن برای طاعت و کراماتی است که در پی طاعت می‌آید. تکرار این واژه در آیه را نیز ناظر به دو مرحله از زندگی مریم دانسته‌اند: اصطفای اول را مربوط به پذیرفتن مریم برای خدمت در معبد و برگزیدن او برای عبادت خداوند و بهره‌مندی از رزق بهشتی و اصطفای دوم را ناظر بر اعطای عیسی از جانب خداوند به او بی‌آنکه همسری داشته باشد (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳،

ص ۱۷۹-۱۸۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۱۷-۲۱۸، ذیل آل عمران: ۴۲). در واقع اصطفا‌ی دوم تبرک و تشرّف به مقام مادری کسی تفسیر شده که خود نبی و برگزیده خداست. اصطفا‌ی دوم مقید به قید «علی نساء العالمین» است و اگر به معنای عام اصطفا‌ی اکتفا کنیم و آن را صرف برگزیدن به امری خاصی مثل بندگی بدانیم، ظاهراً باید مبین بی‌همتایی مریم در مقام مذکور، در همه ادوار و بر همه زنان باشد. اما این قید فراگیر و گسترده غالباً در تفاسیر شمول کمتری می‌یابد و قیود بیشتری به آن افزوده می‌شود. به گونه‌ای که برتری مریم فقط به زنان، آن هم نه همه زنان در همه اعصار بلکه فقط زنان هم عصر خود، آن هم نه برتری همه جانبه بلکه فقط از جنبه مادری عیسی محدود می‌شود (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۸۰؛ طوسی، [بی تا]: ج ۲، ص ۴۵۶-۴۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۲۹۵-۲۹۶، ذیل آل عمران: ۴۲).

در آیات پایانی سوره تحریم دو نمونه و مثل از میان زنان مؤمن و کافر ذکر می‌شود و چون خطاب آیه عام است، این زنان به عنوان نمونه‌هایی برای زنان و مردان هر دو معرفی می‌شوند؛ همسر نوح و لوط نمونه‌های زنانه هستند که با کافر شدن به شقاوت و هلاکت رسیدند و همسر فرعون و مریم نمونه‌های کسانی که با برگزیدن راه ایمان طریق سعادت و رستگاری را پیمودند. در آیه ۱۲ سوره تحریم خداوند خلوص مریم در ایمان و حسن طاعت و مداومت در عبادت او را برای زنان و مردان با ایمان مثال می‌زند. در آیه ۵۰ سوره مؤمنون نیز عیسی و مادرش آیه و نشانه الهی خوانده شده‌اند که به ماجرای بارداری مریم بدون همسر و خلق عیسی بدون پدر اشاره دارد (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۸، ص ۲۰).

طهارت: در همین آیه ۴۲ پس از اولین مژده برگزیدن، خطاب به مریم آمده که خداوند تو را مطهر کرد. مفسران در تعیین معنای طهارت مریم به درجات مختلفی از طهارت اشاره کردند. برخی آن را پاکی از آلودگی و شک و تردید و برخی آن را ایمان طیب دانسته‌اند (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۸۱، ذیل آل عمران: ۴۲). طبق قولی منظور از آن طهارت از کفر و بر مبنای قولی دیگر پاکی از آلودگی‌های جسمی زنان همچون حیض و نفاس است (نک. طوسی، [بی تا]: ج ۲، ص ۴۵۶، ذیل آل عمران: ۴۲). قول اخیر با وصف باکره‌گی مریم که در سنت مسیحی بر آن تأکید می‌شود و در قرآن نیز اشاراتی به آن شده بی‌ارتباط نیست. فخررازی (۱۴۲۰: ج ۷، ص ۲۱۸، ذیل همان) علاوه بر این اقوال موارد دیگری را نیز برمی‌شمرد همچون طهارت از معاشرت با مردان، طهارت در حوزه اخلاق یعنی پاکی از

افعال مذموم و عادات قبیح و نیز طهارت از تهمتها و دروغ‌هایی که یهودیان بر مریم روا داشتند.

در آیه ۴۲ سوره آل عمران علاوه بر برگزیده شدن مریم، به مقام طهارت او نیز تصریح می‌شود. مفسران نه برگزیدن او را همچون برگزیدن سایر انبیاء دانسته‌اند و نه مرتبه او را در طهارت بیش از آن چیزی که آورده شد، تفسیر کرده‌اند. در حالی که در آیه ۳۳ سوره احزاب *یطهرکم تطهیراً* بی تردید به مقام عصمت اهل بیت پیامبر علیهم السلام اشاره می‌کند. معدودی از مفسران همچون طباطبایی و برخی از مفسران با گرایش‌های عرفانی، منظور از طهارت مریم را عصمت او دانسته‌اند. طباطبایی (۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۹۵، ذیل آل عمران: ۴۲) علاوه بر این که تفسیر طهارت به عصمت را می‌پذیرد، تفسیر آن به پاکی از آلودگی‌های جسمانی همچون حیض و نفاس را موافق سیاق آیه نمی‌بیند. قشیری (۲۰۰۰: ج ۱، ص ۲۴۲) طهارت مریم را طهارت از فحشاء و معاصی دانسته و عصمت او را با صفت جمیل وصف کرده است و میبیدی (۱۳۷۱ش: ج ۲، ص ۱۱۶) نیز پاکی از همه گناهان دانسته است.

برخی از عرفا طهارت مریم را سبب عروج عیسی دانسته‌اند. قیصری در شرح فصوص (۱۳۸۶ش: ص ۸۴۷) و نیز خواجه پارسا (۱۳۶۶ش: ص ۳۱۸) سبب عروج عیسی و طولانی شدن اقامت او در آسمانها را طهارت مادرش مریم می‌دانند؛ چون جسم مریم از غلبه احکام طبیعی پاک بود، عواملی که سبب فساد و زوال جسم می‌شود در او راه نداشت به همین دلیل جسم فرزند او عیسی نیز از زوال در امان است.

گفتگو با ملک وحی: مقام دیگری که از همین آیه ۴۲ آل عمران قابل استنباط است گفتگوی مریم با ملائکه است. مریم در سه آیه ۴۲، ۴۳ و ۴۵ سوره آل عمران مخاطب وحی قرار گرفته است و در آیه ۱۷ سوره مریم آمده که ما روح خود را بر او فرستادیم سپس در آیات ۱۸ تا ۲۱ گفتگویی میان مریم و فرستاده خداوند نقل می‌شود. آیات ۴۲ و ۴۵ آل عمران با عبارت «إذ قالت الملائكة يا مریم» آغاز می‌شوند. مفسران منظور از ملائکه را جبرئیل دانسته‌اند (نک. طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۷۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۱۷، ذیل آل عمران: ۴۲). «فارسلنا إليها روحنا (مریم: ۱۷)» نیز به جبرئیل اشاره دارد (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۴۶، ذیل مریم: ۱۷). به گفته علامه طباطبایی (۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۹۴، ۳۰۱؛ ذیل آل عمران: ۴۲) در این آیه دلالتی هست بر اینکه مریم از کسانی بوده که ملائکه با او سخن می‌گفته‌اند، و او سخنان این هاتقان غیبی را می‌شنیده است. آیه ۱۷ سوره مریم نیز دلالت دارد بر اینکه مریم روح را با چشمان خود دیده، نه اینکه فقط صدای او را شنیده باشد. با

توجه به آیه ۵۱ سوره شوری بشر به سه طریق می‌تواند با خداوند سخن بگوید؛ وحی، تکلم از واری حجاب و یا ارسال رسول وحی (جبرئیل). در مورد مریم تکلم با خداوند از طریق جبرئیل میسر شد.

پ. اوصاف عمومی مریم

در قرآن و متون عرفانی اوصاف دیگری نیز برای مریم برشمرده شده است همچون صبر و صداقت که این اوصاف در واقع در میان سایر بندگان و مخلصان نیز یافت می‌شود. بارداری ناخواسته مریم او را در معرض تهمت‌ها و قضاوت‌های ناروا قرار داد و مریم در برابر این ناملایمات چاره‌ای جز صبر نداشت و این صبر او را به مقام شفقت بر خلق رساند. این تهمت‌ها در آیه ۱۵۶ سوره نساء و نیز آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مریم نقل شده است. تهمت زنا برای کسی که شبانه روز مشغول عبادت بود، بسیار سنگین بود. از این‌رو وقتی درد زایمان او را فراگرفت با خود گفت کاش پیش از این مرده بودم و فراموش شده بودم. فخررازی (۱۴۲۰: ج ۲۱، ص ۵۲۶، ذیل مریم: ۲۳) در تفسیر این آیه می‌گوید عادت صالحان چنین است که وقتی در بلایی گرفتار می‌شوند چنین می‌گویند. دیگر تفاسیر هم این عبارت مریم را دال بر شرمساری او از مردم دانسته‌اند (نک. طوسی، [بی‌تا.]: ج ۷، ص ۱۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۴، ص ۵۵، ذیل مریم: ۲۳). میبیدی (۱۳۷۱ش: ج ۶، ص ۳۱) ذیل این آیه، ضمن اشاره به نکته اخیر این عبارت مریم را نشان‌دهنده میزان شفقت او بر خلق می‌داند و آن را چنین تعبیر می‌کند؛ کاش پیش از این مرده بودم و قومی به سبب من در معصیت نمی‌افتادند. عین‌القضات همدانی (۱۳۵۰ش: نامه‌ها، ج ۲، ص ۱۹۲) این نکته را واضح‌تر بیان می‌کند که مریم از ترس ملامت خلق چنین نگفت. چرا که می‌دانست مردم منکر او می‌شوند و در مورد او بدگویی می‌کنند. اما وقتی این سخن بر زبان او آمد که شفقت بر خلق خدا تمام وجود او را فراگرفته بود و مریم در این مقام نمی‌خواست کسی به واسطه او در معصیت بیفتد.

در آیه ۷۵ سوره مائده عیسی با اوصافی معرفی می‌شود از جمله این وصف که مادرش صدیقه است «و أمّه صدیقه». در مورد معنای صدیقه بودن مریم و جوهی در تفاسیر نقل شده است. صدیقه از یک جهت صیغه مبالغه است به معنای کسی که بسیار راستگو است. از جهی دیگر به معنای کسی است که آیات الهی را تصدیق می‌کند و منظور از تصدیق آیات الهی تصدیق نبوت عیسی است. بیشتر مفسران به این دو وجه توجه کرده‌اند (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۶، ص ۲۰۳؛ طوسی، [بی‌تا.]: ج ۳، ص ۶۰۵، ذیل مائده: ۷۵). میبیدی (۱۳۷۱ش: ج ۳،

ص ۱۸۵) با توجه به آیه ۱۷ سوره مریم وجه دیگری را نیز افزوده است. طبق این آیه جبرئیل به هیأت انسان برای مریم تمثّل پیدا کرد. به تعبیر میبیدی چون جبرئیل با مریم سخن می گفت و مریم او را تصدیق می کرد، از این جهت صدیقه نامیده شد به معنای تصدیق کننده جبرئیل. فراء (۱۹۸۰: ج ۱، ص ۳۱۸) بر خلاف سایر مفسرین صدیقه را نه به معنای اسم فاعل یا تصدیق کننده بلکه به معنای اسم مفعول یا تصدیق شونده می داند. به این معنا که مریم همانگونه که انبیاء تصدیق می شدند، تأیید و تصدیق شد.

۵. نبی در سنت اسلامی و جایگاه مریم؟

از مقایسه ویژگی های مریم در کتب مقدّس و متون اسلامی برمی آید که مقام و منزلت مریم در منابع اسلامی و طبق نصّ قرآن بسیار والاتر از آن چیزی است که در اناجیل آمده است. فضل مریم در قرآن فقط به سبب حمل عیسی در درون خود و یا اتصال به خاندان انبیاء نیست. بلکه خود مریم در مقام بنده ای برگزیده و عابد و پاکدامن مرکز توجه قرار می گیرد و به عنوان الگو برای تمام مؤمنین و مؤمنات معرفی می شود. کسی که از بدو تولد از آلودگی ها و ناپاکی ها و گناه به دور بوده و در عبودیت از انبیای زمان خود گوی سبقت ر بوده و در اثر مداومت و مراقبت در اطاعت فرامین الهی، تصرف در عالم ماده برایش مقدور شده و امور خارق عادت از او سر زده است و بالاتر از آن خداوند روح خود را به سوی او فرستاده تا او را به تولد چهارمین نبی اولوالعزم بشارت دهد.

اوصافی که برای مریم در قرآن نقل شده در شأن برخی انبیای بنی اسرائیل که داستان آنها هم در قرآن ذکر شده، گفته نشده است. زکریای نبی و فرزندش یحیی، داوود و سلیمان و برخی دیگر از انبیا نه به اندازه مریم در قرآن تجلیل شده اند و نه اوصافی همچون مریم در موردشان آمده است. از این شواهد برمی آید که مریم اگر برتر از این انبیاء نباشد دست کم باید هم شأن و رتبه آنها به شمار آید. نبی در سنت اسلامی دارای ویژگی های مشخصی است همچون عصمت، ارتباط کلامی با خداوند از طریق وحی، در دست داشتن معجزه برای تأیید صدق نبوت (نک. بغدادی، ۱۹۶۲-۹۱۶۵: ج ۱۵، ص ۱۷-۱۸؛ ابن فراء، ۱۹۷۴: ص ۱۵۳-۱۵۴؛ نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷: ص ۲۱۳-۲۱۴). با توجه به آیات قرآن می توان صدق این ویژگی ها را بر مریم بررسی کرد.

الف. عصمت

در آیه ۴۲ سوره آل عمران چنین آمده که خداوند مریم را پاک و مطهر گرداند. غالب مفسران طهارت مریم را به پاکی او از کفر و آلودگی‌های ظاهری همچون حیض و نفاس تفسیر کرده‌اند. شماری معدودی از مفسران همچون علامه طباطبایی منظور از طهارت مریم را عصمت او دانسته‌اند. اینکه چرا غالب مفسران چنین استنباطی از ظاهر آیه ندارند، محل بحث است و در ادامه به آن خواهیم پرداخت. ولی اگر تفسیر علامه طباطبایی را بپذیریم، دست‌کم می‌توان گفت مریم یکی از ویژگی‌های نبوت را دارد.

ب. وحی

دومین ویژگی تکلم با خداوند است. در آیاتی از قرآن مریم مخاطب وحی است و ملک وحی با عبارت «یا مریم» با او سخن می‌گوید (آل عمران: ۴۳، ۴۵). طبق احادیث کسانی که با خداوند تکلم می‌کنند یا رسول‌اند، یا نبی و یا محدث. در کتاب اصول کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۷) بابی به بیان تمایز میان این سه اختصاص دارد. طبق احادیث این بخش خصوصیات مقامات پایین‌تر هستند نه برعکس. رسول فرشته وحی را به مستقیماً می‌بیند و پیام رسالتش را از جانب او دریافت می‌کند، نبی فرشته را نمی‌بیند بلکه پیام در حالت خواب یا بی‌هوشی بر قلب نازل می‌شود. محدث کسی است که فقط صدایی را می‌شنود ولی صاحب صدا را نمی‌بیند. محدث که با ملک وحی گفتگو می‌کند، مقام ولایت دارد. مریم، طبق آیه ۱۷ سوره مریم، هم با ملک وحی گفتگو کرده و هم او را حداقل در عالم رؤیا یا در حال بی‌هوشی - دیده است. بنابراین به نظر می‌رسد که طبق احادیث مطرح شده، مریم واجد مقام نبوت باشد. اما مفسران هرچند گفتگوی مریم با جبرئیل را تأیید کرده‌اند، هیچگاه او را در حد مقام نبوت ندانسته‌اند. به استنباط علامه طباطبایی (۱۳۷۴: ج ۳، ص ۲۹۴) آیه ۴۲ آل عمران دلیل بر محدثه بودن او است نه چیزی بیش از این. در اینجا ممکن است تفسیر علامه با احادیث این بخش که دیدن ملک وحی را از نشانه‌های نبی ذکر کرده‌اند نه محدث، مغایر به نظر بیاید. اما به نظر ایشان اینکه در روایات آمده محدث صوتی را می‌شنود ولی فرشته را نمی‌بیند نباید به این معنا دانسته شود که جمع میان این دو حالت محال است. بلکه احادیث مزبور را باید اینگونه فهمید که ملاک محدث بودن، شنیدن صدای هاتف غیبی است و لازم نیست که حتماً صاحب صدا هم رؤیت شود. لازمه محدث بودن دیدن فرشته نیست هر چند ممکن است محدث، فرشته را هم ببیند همانند مریم که روح را به صورت بشر مشاهده کرد و در حین گفتگو او نیز را می‌دید (نک).

۱۳۷۴ش: طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۸). گویی ایشان از ابتدا محدثه بودن مریم را مفروض گرفته و در تأیید این قول احادیث مرتبط با محدث را در اصول کافی تفسیر کرده‌اند. بنابراین هرچند به نظر می‌رسد مریم دومین ویژگی نبی را نیز داشته باشد ولی مفسران هیچکدام چنین تفسیری از آیات را نپذیرفته‌اند.

پ. معجزه

سومین ویژگی داشتن معجزه است. همانطور که در ویژگی‌های مریم اشاره شد، در طول حضور او در معبد و حتی پس از آن امور خارق‌العاده‌ای از او سر زد همانند خوردنی‌های غیر فصلی و بارور شدن درخت خشکیده. مورد اول به کرات از مریم صادر شده و طبق آیه قرآن هر بار زکریا نزد مریم می‌رفت، می‌دید که طعامی برایش آمده است. حال سؤال اینجاست که آیا این امور همچون مائده‌ای که از آسمان برای عیسی و حواریون نازل شد معجزه محسوب می‌شود یا نه. مفسران و عرفا و متکلمان پاسخ‌های متنوعی به این پرسش داده‌اند اما همگی توجه داشته‌اند که تأیید معجزه بودن این امور به منزله نبی دانستن مریم است و بنابراین به طریقی خود را از این دام رها نکرده‌اند. در واقع همگی راه حل واحدی را برای حل معضل برگزیده‌اند؛ تعیین نسبت معجزه و امور خارق‌عادت. معتزلیان این دو را مساوی یکدیگر می‌دانند. به این معنا که از نظر آنها هر امر خارق‌العاده‌ای معجزه است. اما بیشتر مفسران و عرفا مفهوم خرق عادت را اعم از معجزه می‌دانند. از این رو از نظر آنها هر معجزه‌ای خرق عادت هست نه برعکس. نسبت میان معجزه و خرق عادت هر چه باشد، همگی بر سر این مورد اتفاق نظر دارند که معجزه به دست نبی اتفاق می‌افتد.

با توجه به نکته اخیر بهتر می‌توان پاسخ‌ها را تحلیل کرد. معتزلیان - غالباً در تفاسیر به نظر ابوعلی جبائی اشاره شده است - چون به این‌همانی معجزه و امور خارق‌عادت قائلند در تفسیر خوارق عادت مریم به دنبال انبیا می‌گردند که این امور را به او نسبت دهند. در میان معاصران و نزدیکان مریم جاری شدن این افعال را تنها می‌توان به زکریا و عیسی نسبت داد و جبائی نیز هر دو احتمال را مطرح کرده است (نک. جبائی، ۱۴۲۸: ص ۱۲۷-۱۲۹). سایر مفسران امر خارق عادت را از معجزه تفکیک می‌کنند. بنابراین جای این احتمال باز می‌شود که امور خارق عادت به دست غیر نبی محقق شود و برای اینکه این امور از معجزه متمایز شوند نام آن را به کرامت و نام فاعل آن را به ولی تغییر دادند. در واقع کرامت همان معجزه است که بر دست ولی جاری شده است. فخر رازی در تفسیر آیه ۳۷ آل عمران (۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۰۷-۲۰۸) پنج دلیل ذکر می‌کند که آنچه از مریم سر زد امور خارق

عادت بود و آن را کرامت می‌نامد. سایر مفسران و نیز متکلمان اشعری خواری عادت مریم را کرامت می‌دانند و او را در شمار اولیاء می‌آورند (نک. ابن‌فراء، ۱۹۷۴: ص ۱۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۷۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۲۷۳).

از مرور پاسخ‌ها چنین برمی‌آید که مفسران مفروض دانسته‌اند که مریم نبی نیست به‌همین دلیل به توجیه امور خواری عادت او پرداخته‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد جریان کار باید عکس باشد و از خواری عادت بودن یا نبودن فعلی، نبی بودن یا نبودن فاعل آن را نتیجه گرفت. یعنی معجزه دلیل صدق ادعای نبی است و اعتبار نبی از معجزه است نه برعکس. حال جای این پرسش باقی است چرا در مورد مریم عکس این روند طی شده است؟ اصلاً تمایز معجزه از کرامت و نبی از ولی چه مشکلی را حل می‌کند؟ به نظر می‌رسد دلیل منصوص و قاطع مفسران آیاتی از قرآن باشد که در آنها به جنسیت رسولان اشاره شده است.

ت. نبوت و پیش فرض رجولیت

در سه آیه ۱۰۹ سوره یوسف، ۴۳ سوره نحل و ۷ سوره انبیاء با مضمونی واحد خطاب به پیامبر چنین آمده که ما پیش از تو نفرستادیم جز مردانی که به آنها وحی کردیم. از سیاق آیات چنین برمی‌آید که این آیات در جواب به شبهه مشرکین نازل شده است که می‌پنداشتند انبیاء می‌بایست از جنس ملائکه باشند. از این رو در تفاسیر بر وجه مردمی بودن و از جنس بشر بودن انبیاء و رسل تأکید شده است (نک. طوسی، [بی‌تا]: ج ۶، ص ۲۰۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۱۸، ص ۵۲۱، ذیل یوسف: ۱۰۹). فخررازی (۱۴۲۰: ج ۲۰، ص ۲۱۰) در تفسیر آیه ۴۳ نحل به این نکته اشاره می‌کند که از اول زمان خلق و تکلیف خداوند همیشه رسولانی از جنس بشر به سوی آنها فرستاده و عادت مستمر الهی چنین بوده و کسانی که می‌گفتند چرا خداوند ملکی را به سوی ما نمی‌فرستد در واقع این را به صورت طعن و کنایه نسبت به جریان عادی ارسال رسل مطرح کرده‌اند. سنت الهی در این مورد ارسال فرستادگانی از جنس خود بشر است (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۲، ص ۳۷۳، ذیل نحل: ۴۳). از این تفاسیر به خوبی استنباط می‌شود که واژه «رجال» در این آیات، ملائکه را از مصادیق رسولان خارج می‌کند. اما آیا این واژه علاوه بر تأکید بر بشری بودن انبیاء و رسول، بر جنسیت هم تأکید می‌کند یا نه؟

برخی مفسران که میان زن و مرد تفاوت ماهوی می‌بینند، واژه رجال را دال بر جنسیت در نظر می‌گیرند و از این آیه، مفهوم مخالف واژه رجال را برداشت می‌کنند. طبق تفسیر آنها

خداوند هیچ زن و ملکی را به رسالت یا نبوت بر نمی‌گزیند (طوسی، [بی‌تا.]: ج ۷، ص ۲۳۲). با تکیه بر این تفسیر، ملائکه و زنان، هر دو از مصادیق رسولان و انبیاء خارج می‌شوند (نک. طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۳، ص ۵۳، ذیل یوسف: ۱۰۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۲۰، ص ۲۱۹، ذیل نحل: ۴۳). علاوه بر این واژه رجال حاکی از مرد بالغ است و اگر بخواهیم بر مفهوم مخالف آن نیز توجه کنیم می‌بایست پسر بچه نابلغ را نیز از دایره مصادیق انبیاء و رسل خارج کنیم. طباطبایی در تفسیر آیه ۴۳ سوره نحل این نکته را مطرح می‌کند (۱۳۷۴ش: ج ۱۲، ص ۳۷۳-۳۷۴) و پاسخ می‌دهد که چون در آیات قرآن بر مقام نبوت یحیی (واتیناه الحکم صبیًا، مریم: ۱۲) و مقام رسالت عیسی (إنی عبدالله اتانی الکتاب وجعلنی نبیًا، مریم: ۳۰) در کودکی تصریح شده چنین استنباطی معتبر نیست.

غالب مفسران در تفسیر آیات مذکور این نکته را مطرح می‌کنند که تا کنون سنت الهی بر این بوده که مردانی از جنس بشر را بر آنها مبعوث کند. پیش از بعثت پیامبر چنین بوده و بنابراین پیامبر هم طبق همین سنت از میان مردم برگزید شده است (نک. طوسی، [بی‌تا.]: ج ۷، ص ۲۳۲، ذیل انبیاء: ۷). البته مفسرانی بوده و هستند که پیش فرض نقصان بهره‌مندی از ویژگی‌های انسانی و فروتر بودن جایگاه زن در جامعه را ندارند و معتقدند زن و مرد بر اساس آیات قرآن با هم برابرند و ملاک تفاوت آنها فقط تقواست (برای شرح این نکته نک. مبلغ، ص ۵۷۸-۵۹۰). اما همانطور که صحت قول مقام نبوت اطفال با مراجعه به دیگر آیات قرآن قابل بررسی بود، می‌توان صحت دعوی این مفسران در مورد ناممکن بودن نبوت زنان را نیز با مراجعه به سنتهای دینی پیش از اسلام بررسی کرد.

در عهد قدیم و جدید از زنان بسیاری نام برده شده که در قوم خود مقام نبوت داشتند و به اصطلاح «نبیه» بودند. خواهر موسی و هارون، میریام یا مریم، نبیه بود. همان کسی که وقتی صندوقچه حامل موسی را به آب انداختند او را تعقیب کرد و نهایتاً مادرش یوکابد را به فرعون معرفی کرد تا به موسی شیر بدهد. همو رهبری قوم بنی‌اسرائیل را در گذشتن از اسارت و بردگی مصر همراه با موسی و هارون برعهده داشت (۲۰۰۲: میکاه نبی، ۶: ۴). حنا دختر فتوئیل، خُده همسر شلّام و نیز دבורه همسر لفیدوت همگی نبیه بودند (۲۰۰۲: کتاب داوران ۴: ۴؛ دوم پادشاهان ۲۲: ۱۴؛ انجیل لوقا ۲: ۳۶). دבורه طبق کتاب داوران (۲۰۰۲: ۴: ۱-۹، ۱۲-۱۶ و ۲۳) هم نبی بود هم داوری می‌کرد. دבורه رهبر نظامی هم بود و یهودیان را در برابر کنعانیان تجهیز کرد.

توجه به سنت‌های دینی پیش از اسلام نشان می‌دهد آن چیزی که برخی مفسران روند عادی و سنت الهی دانسته‌اند، مورد تردید و قابل بازنگری است. هرچند در کتاب مقدس به مقام نبوت مریم اشاره‌ای نشده، اما اوصاف و ویژگی‌های مریم در قرآن آنقدر هست که بتوان او را در زمره انبیاء به‌شمار آورد. اما مفسران با لحاظ مقدماتی که گفته شده، بالاترین مقامی که برای او در نظر می‌گیرند، ولایت است و مریم طبق برداشتی که جنسیت را در نبوت دخیل می‌داند، معجزاتش به کرامت، تکلمش با خداوند به حدیث و عصمتش به طهارت از حیض و نفاس تبدیل می‌شود. در واقع تفکیک‌های متعددی نبی/ولی، معجزه/کرامت، عصمت/طهارت و محدث/نبی برای مفسران از آن جهت مهم است که ظاهر آیاتی از قرآن را حفظ می‌کند. تفکیک‌های اخیر اما موقعیت ویژه‌ای را برای عرفا به ارمغان آورد.

فرض تحقق امور خارق‌العاده به دست غیر نبی، حقایق کرامات عرفا را تأیید می‌کرد. عرفا برای اینکه نشان دهند اولیاء نیز همانند انبیاء می‌توانند معجزه داشته باشند، به قرآن استناد می‌کنند و برخی داستانهای قرآن را دلیل منصوص یا شرعی بر اثبات کرامات اولیاء می‌دانند. داستان مریم یکی از مهمترین دلایل آنهاست که در غالب کتب عرفانی به آن اشاره شده است (برای نمونه نک. کلابادی، ۱۴۰۷: ص ۳۱؛ مستملی بخاری، ۱۳۶۳-۱۳۶۶: ج ۳، ص ۹۵۸؛ هجویری، ۱۳۸۳ش: ص ۳۴۲؛ سبکی، [بی تا]: ج ۲، ص ۳۳۴). نکته جالب اینکه همگی بر سر این نکته توافق دارند که جنسیت در مقام نبوت دخیل است و از این رو مریم نمی‌تواند پیامبر باشد اما در مقام ولایت نه تنها جنسیت را دخیل نمی‌دانند بلکه بالاتر از آن بر کرامات زنی همچون مریم استناد می‌کنند تا کرامات عرفا را اثبات کنند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳-۱۳۶۶: ج ۳، ص ۹۵۸؛ هجویری، ۱۳۸۳ش: ص ۳۴۲). عطار (۱۳۶۴ش: ص ۷۲) در ذکر احوال رابعه عدویه او را نائب مریم صغیه دانسته و نام او را در کنار نام مردان خدا می‌آورد و تصریح می‌کند در پیمودن راه خدا جنسیت مدخلیتی ندارد و رجولیت شرط ولی بودن نیست. اگر چنین باشد، سرایت این حکم به مقام نظیر آن، نبوت، ناممکن نیست.

۶. خلاصه و نتیجه‌گیری

توجه به سنت‌های دینی پیش از اسلام نشان می‌دهد که موقعیت مریم به تدریج بیش از باکره‌ای شد که قرار بود بنا بر پیشگویی عهد قدیم منجی‌ای را به دنیا بیاورد و قوم یهود را نجات بدهد. جایگاه او از مادر منجی در دیدگاه و برداشت برخی فرق مسیحی به مادر خدا

و یا یکی از سه اقنوم الهی ارتقا یافت، در حالی که در کتاب مقدس مسیحیان به چنین مقاماتی اشاره‌ای نشده و این مقام در سنت دینی به تدریج به او داده شد.

در قرآن نیز به کرامات، طهارت، برگزیدگی او در تربیت تحت توجهات الهی و اشتغال دائم او به عبادت اشاره شده و همانند برخی از انبیا همچون نوح و ابراهیم و محمد (صلی الله علیه و اله) سوره‌ای به او اختصاص یافته است، در حالی که سوره‌ای به نام عیسی در قرآن نیست. با همه اوصاف و ویژگی‌هایی که در قرآن برای مریم آمده است، مفسران صرفاً با استناد به ظاهر آیه‌ای که در آن نقش «رسالت» را به مردان می‌دهد، بالاترین مقامی که توانسته‌اند برای او در سنت اسلامی در نظر بگیرند، مقام ولایت است که البته صوفیان نیز می‌توانند در این مقام خود را هم‌پایه با وی به شمار آورند و همانند وی، خود را صاحب کرامت، محق در دخالت و تصرف در عالم، مقرب در گاه حق و شنونده الهامات الهی بدانند.

اما همانگونه که گفتیم با توجه به شروط و تعبیری که برای انبیا در سنت دینی اسلام وجود دارد و مشابهت آن با تعبیری که درباره مریم در قرآن به کار رفته و برخی مفسران هم به آن اذعان کرده‌اند و نیز با لحاظ این نکته که در اسلام مقام رسالت غیر از نبوت و بالاتر از آن است و در سنت دینی پیش از اسلام نیز نبیه‌هایی وجود داشته‌اند، به نظر می‌رسد می‌توان با دیدی نقادانه در منابع و برداشتهای پیشین بازنگری کرد و بار دیگر به منزلت و جایگاه مریم نگریست. مسلماً این ارزیابی امری تاریخمند و صرفاً مربوط به قدیسه‌ای از اعصار پیشین نیست و اگر جایگاه او چنان باشد که در بیان قرآن آمده، لازم است بار دیگر هم به منزلت و جایگاه مریم نگریست و هم جایگاه زن را در اسلام بررسی کرد. سنت تفسیری شکل گرفته حول داستان مریم نمونه خوبی از نگاه مردانه در تفسیر آیات قرآن و وسعت تأثیر آن در سایر حوزه‌های اسلامی از جمله کلام و عرفان است و از این منظر می‌توان سایر اندیشه‌ها و احکام مربوط به زن در سنت اسلامی را دوباره بررسی و ارزیابی کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم؛

ابن عربی، محمدبن علی (۱۳۷۶ش)، الرسالة الغوثیه، در ده رساله مترجم، چاپ نجیب مایل هروی، تهران: مولی.

- ابن فرأء، محمد بن حسین (۱۹۷۴)، کتاب المعتمد فی اصول الدین، چاپ ودیع زیدان حداد، بیروت: دارالمشرق.
- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۹۶۲-۱۹۶۵)، کتاب اصول الدین، چاپ جورج قنوتی، قاهره: دارالمصریه.
- بهاء الدین ولد، محمد بن حسین (۱۳۵۲ش)، معارف، چاپ بدیع الزمان فروزانفر، تهران: طهوری.
- پارسا، محمد بن محمد (۱۳۶۶ش)، شرح فصوص الحکم، چاپ جلیل مسگر نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جبایی، محمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۸)، تفسیر ابی علی جبایی، چاپ خضر محمد نبها، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن (۱۳۸۴ش)، جواهر الاسرار و زواهر الانوار: شرح مثنوی، چاپ محمد جواد شریعت، تهران: اساطیر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۲ش)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ صفوان عدنان داوودی، قم: ذوی القربی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل، چاپ مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی [ابی تا.]، الطبقات الشافعیه الکبری، چاپ محمود محمد طنحی، عبدالفتاح محمد حلو، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸/۱۹۸۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن [ابی تا.]، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره: دارالکتب المصریه.
- عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۴ش)، تذکره الاولیاء، چاپ محمد استعلامی، تهران: زوار.
- عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۷۸ش)، ترجمه پیروز سیار، تهران: نشر نی.
- عین القضاة همدانی، عبدالله بن محمد (۱۳۵۰ش)، نامه‌های عین القضاة همدانی، چاپ علیقتی منزوی و عفیف عسیران، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرأء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰)، معانی القرآن، چاپ محمد علی نجار، احمد یوسف نجاتی، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.

مریم؛ زنی در مقام ولایت یا نبوت؟ ... ۲۷

قشیری، عبدالکریم هوازن (۲۰۰۰)، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، چاپ ابراهیم بسیونی، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.

قیصری، داوود بن محمود (۱۳۸۶ش)، شرح فصوص الحکم، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید (۲۰۰۲)، انگلستان: انتشارات ایلام.

کلابادی، ابوبکر بن محمد (۱۴۰۷)، التعرف لمذهب اهل التصوف، سوریه: دارالایمان.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ علی‌اکبر غفاری محمد آخوندی، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

مبلغ، سیده زهرا (۱۳۹۵ش)، مدخل «زن» در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۲۱، ص ۵۷۸-۵۹۰.

مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد (۱۳۶۳-۱۳۶۶ش)، شرح التعرف لمذهب التصوف، چاپ محمد روشن، تهران: اساطیر.

مبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

نجم رازی، مرصادالعباد (۱۳۵۲ش)، چاپ امین ریاحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نسفی، عزیزالدین بن محمد (۱۳۹۴ش)، کتاب الانسان الکامل، تصحیح و مقدمه ماری ژان موله، پیشگفتار هانری کرین، تهران: طهوری.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷)، تجرید الاعتقاد، چاپ حسین جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳ش)، کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، تهران: سروش.

Jeffery, Arthur (2007), *The foreign vocabulary of the Qur'ān*, Brill: Leiden.